

لوئیز دانتزیگر

فکر، احساس و عمل

نویسنده: استیون هیلبر
مترجم: پویک فرزانه پور

Thought, feeling & Action

سال‌ها پیش، یک ناشر از لوئیز دانتزیگر خواست که به دانشجویان هنر توصیه‌هایی ارائه دهد و او این کلمات را پیشنهاد کرد: فکر، احساس و عمل و آن‌ها را این چنین شرح داد:
عمل: مهم نیست که چقدر دانشجویی برجسته، با ذوق و استعداد، استثنایی باشید. بدون عمل هیچ چیزی وجود ندارد به جز حرف. فکر: طراحی مثل حل یک مساله است در واقع مثل ذکاوت فردی است برای رسیدن به بهترین راه حل.

احساس: کارکردنی که فی‌البداهه و غریزی نباشد و بدون حس و الهام صورت بگیرد، عاری از هرگونه خصوصیات انسانی است. اغلب مردم دانتزیگر را به عنوان طراح گرافیک، مشاور طراحی، مربی و یکی از پرکارترین گرافیست‌های اخیر آمریکا مورد تأکید قرار می‌دهند، دوره‌ای که فوراً بعد از پل رند، الوین لوستیک، ویل برتین و دیگران بود.

متولد شدن در چنین دوره‌ای برای کسی که طراحی می‌کند تبلیغی بود که برای دنیای خشک تجاری فرمان، زیبایی و سوددهی را ارائه می‌کرد. دانتزیگر بر شانه‌های نوگرایان پیشگام، قرار دارد و به این مطلب پافشاری می‌کند که (مساله‌ای نیست که من چه کاری انجام می‌دهم؛ مهم آن است که می‌خواهم آن را به بهترین نحو انجام دهم) نوع تدریس او تنوع طراحی را ارتقا بخشید و تنوع نوگرایی را آموزش داد. دانتزیگر طراح طراح‌ها و مربی مربیان است. این مطلب را کاترین مک کوری رئیس سابق آکادمی کرن بروک در مورد مردی بیان می‌کند که طراحی و تدریس برایش دو چیز مجزا می‌باشد. هرچند که این دو، دو اصل متحد هستند. به هر حال، او بطور قابل توجهی بر روی اقسام طراحی گرافیک تأثیر گذاشته است که این تأثیرات را می‌توانیم در آگهی تبلیغاتی و طراحی کتاب‌ها، نشریات، کاتالوگ‌های موزه و نمایشگاه‌هایی که او طراحی کرده، ببینیم. او نفوذ تأثیر خود را بر روی صدها دانشجویی گذاشته که در کلاس‌هایش در چوینارد (Chouinard)، کال آرتز (Coul Arts)، دانشگاه هاروارد و کالج طراحی مرکز هنر حضور داشتند جایی که او به طور معمول تدریس می‌کند. نوگرایی در دستان دانتزیگر، صرفاً در یک قالب سرد و فرمولی شده نبود، بلکه برای اتحاد پیام‌های مشترک به کار می‌رفت. به عبارت دیگر هر مشکلی را که در هنگام طراحی برای او مطرح می‌شد، سعی می‌کرد راه حل‌های مناسب، و اغلب الهام گرفته شده‌ای را به دست آورد. بینش و خرد او روشی برای رفع



Thought, feeling & Action



وادار می کند که چاره ای نداشته باشند جز این که قدرت تجسمشان را بالا ببرند. دانیگر به شدت اعتقاد دارد که دانشجویان باید با دیدگاه های مختلفی روبه رو شوند تا بتوانند دیدگاه خودشان را شکل دهند. اما به منظور توسعه نظرات دانشجویان، دانشجویان باید دارای یک محیط آموزشی و تحصیلی مساعد و مناسب باشند. یکی از مهم ترین کارهای دانیگر برای طراحی فن آموزش، توسعه یک دوره تاریخ طراحی گرافیکی بود. کیت گذار به او کمک کرد تا ۳۰۰ اسلاید را در زمینه تاریخ طراحی گرافیک گردآوری نماید و این کار، او را جزو پیشگامان مدرسان تاریخ طراحی گرافیک قرار داد. بعد از این که دانیگر کلاس های دوره تاریخ طراحی گرافیک را تشکیل داد شمار اسلایدهایش را تا حدود ۵۰۰۰۰ عدد افزایش داد. او در مورد موضوعات تاریخی نیز سخنرانی های فراوانی انجام داده و مواردی که به دانشجویان کمک می کرد تا خودشان را به عنوان بخشی از یک هدف بزرگ تر از خودشان ببینند را مطرح کرد. یکی از اهداف دانیگر این بود که افق ذهنی دانشجویان را به طریقی باز نماید.

هنگامی که کامپیوتر در همه جا مورد قبول واقع شد او نیز پذیرای آن شد و با آن مقابله نکرد و در عوض انقلاب تکنولوژی را پیش بینی کرد و گام هایی در جهت درک عامل بالقوه و عملکرد آن طی کرد. دانیگر بر موضوعات طراحی نوین تاکید می نماید. او معتقد است که امروزه در تئوری آکادمی تاکید بیش از حد وجود دارد تا در انجام کار. دانیگر به عنوان فردی که ۵۰ سال، پرشور و فعال زندگی خود را وقف طراحی کرده است شناخته می شود و شعار اعتقادی او این است:

فکر، احساس و عمل

نقاشی هایی است که به عنوان یک چیز ساختگی قابل درک و فهم می شوند. معمولاً خودش عکاسی نمی کرد اما بعدها متوجه شد که اغلب از کار بدون محدودیت عکاسان راضی نیست، سپس این مهارت را یاد گرفت و خودش آن را انجام داد. اجزای خاص طراحی او بر ترکیب حروف چاپی و عکاسی که در آن زمان توسط طراحان ایتالیایی بویژه کار استودیو بوگری بود، در میلان مؤثر واقع شد.

کارهای گسترده او شامل طراحی نشانه های آزمایشگاه های کلیتون، شرکت های فضایی ماوراء (سیستم توسعه شرکت، TRW، NORAIR و غیره) کمپانی دری فوس (DERY FUS)، شرکت هلیو دین، کتاب های اوج کمال و عظمت، شورای هنر UCLA و طراحی کاتالوگ های بی شمار، بروشورها و پوسترهایی برای موزه هنر ایالت لوس آنجلس می شد. اما تدریس، شغل و حرفه اصلی او محسوب می شد. دانیگر توسط استادان و دانشجویان مورد تحسین قرار گرفته است. استن جونز که در دهه ۵۰ با او مطالعه و تحقیق می کرد، می گفت: او شخصی بود که به من یاد داد یک ایده چیست؟ و این که راه حل مشکل طراحی تان را در خود آن مشکل بیجوید. کاتیه موسلی لوینسون یکی دیگر از دانشجویان او می گوید: دانیگر یک مفهوم اخلاقی را به طراحی گرافیک معرفی کرد. برای او این مهم بود که ما خوب طراحی کنیم.

بیش تر موفقیت دان زینگر در رابطه با دانشجویانش وابسته به عدم تمایل وی در گرایش به یک ایدئولوژی خاص است. او مشتاقانه به نیاز هر دانشجو توجه می کند و هم چنان امروز به تدریس ادامه می دهد چرا که برای آن چیزهایی که از دانشجویانش می آموزد ارزش قائل است. همان طور که گفتیم شیوه کارش تاکنون از یک قالب بندی خشک و رسمی پیروی نکرده است. دان زیگر می گوید: بخش خلاق، آموزش است که خالق مسائل است. اگر من بر کلاس درس وارد شوم و احساس کنم که به عنوان مثال، فضای خلاقانه به کلاس حاکم نیست، کلمه ای در رابطه با آن با دانشجویان صحبت نمی کنم. آن چه من انجام می دهم طرح یک مساله جدید است، طرحی که آن ها را

نیازهای تجاری اش بود که در طول دوران راه حل های حساب شده و مناسبی را جستجو می کرد. کار او ایده یا اثری است که نسبت به گذر زمان حساس است. دانیگر از هوشی استفاده می کند که با گذشت زمان از بین نمی رود. یک ایده واقعی جهانی که پارامترهای دوره خود را به چالش می کشاند. صفحاتی را که او طراحی می کرد از لحاظ ساختاری بی عیب و نقص بودند. پس به راحتی پیامی را آشکار می کرد و تاثیر گذار بود. به همین دلیل علاقه عمومی را به خودش جلب کرد. کار دانیگر این مساله را به چالش کشید که تمام طرح های گرافیکی، موقتی و کوتاه مدت هستند. اگر چه پیامی که در نهایت دستگیرمان می شود مثل یک نقاشی کلاسیک یا مجسمه سازی، اصل کارش برای همیشه مانند روز اول تازه است. دانیگر می گوید شما نمی توانید کار خوبی ارائه دهید مگر این که جرأت انجام کارهایی را داشته باشید که قبلاً ندیده اید. اصولاً باید جسارت خاصی برای طراحی داشته باشید تا بتوانید کار خوبی ارائه دهید و نکته مهم دیگر ایده انجام دادن بیش ترین مقدار کار با بهترین کیفیت و ساده ترین ابزار است.

دانیگر تحت تأثیر کتاب پل رند تحت عنوان اندیشه های طراحی قرار گرفت چرا که این کتاب مسائلی را روشن می کرد که همواره در ذهن وی به عنوان سؤال پیش می آمد. خصوصاً جایی که در مورد نمادها و استعارات صحبت می کرد. یافتن هر چیزی علامت و نشانه چیزهای دیگر است. توانایی خلاصه کردن عقاید در یک اندیشه واحد برای دانیگر بسیار مهم بود که زیرکانه تحلیل کند و به ماهیت چیزهایی پی برده که نیاز داشت تا با آن ها ارتباط برقرار کند. او هشدار می دهد که: شما همیشه نمی توانید سمبل مناسبی را برای پیام خود پیدا کنید. تفکر کلید حل این مشکل است. دانیگر تأثیر زیادی بر روی ساختار معماری گذاشت و بر امتیازات جلد مجلات، کتابچه های راهنما، کاتالوگ ها و بسته بندی ها افزود.

او بیش تر از هر چیز اشکالات کارش را مورد تحلیل و تجزیه قرار می داد و سپس خود را به ابزاری معین متکی می کرد تا راه حل هایش را اصلاح کند، به عنوان مثال عکاسی را به نقاشی ترجیح می داد چون می گوید: عکس ها قابل باور و متقاعد کننده تر از